

منظومه مفهومی زیبایی‌شناسی در پرتو آیات قرآن کریم

علی شریفی*

استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

مهدی رضازاده جودی**

دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه مفید، قم

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۱۸)

چکیده

از نگاه قرآن کریم، زیبایی از جایگاه و ارزش والایی برخوردار است. به همین سبب، در آیات بسیاری به جلوه‌های گوناگونی از زیبایی، عوامل و نشانه‌های آن و نیز حوزه‌های زیبایی اشاره شده است. قرآن کریم مفهوم زیبایی را فراتر از زیبایی‌های محسوس می‌داند و آن را به زیبایی‌های متافیزیکی، اخلاقی و معنوی گسترش داده است. در این پژوهش توصیفی، ابتدا مفهوم زیبایی در قرآن و گستره آن در محسوسات و امور معنوی و اخلاقی، تبیین و آنگاه مفردات دال بر زیبایی‌شناسی قرآنی در منظومه‌ای مشتمل بر «جمال»، «حُسن»، «زینت»، «حلیه»، «بهجت» و واژگان بیانگر عناصر زیبایی مانند اندازه و رنگ بررسی شده است. از بررسی واژگان و مفاهیم زیبایی‌شناختی قرآنی، چنین به دست می‌آید که منظومه‌ای از مفاهیم مادی، معنوی، اخلاقی و ماورای طبیعی در پرتو درک واژگان دال بر زیبایی‌شناسی در قرآن، با یکدیگر پیوستگی دارند و طرحی جامع و منسجم از زیبایی ارائه می‌کنند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، مفاهیم زیبایی‌شناسی قرآنی، گستره زیبایی، ساختار زیبایی‌شناسی.

*E-mail: dralisharifi15@gmail.com

**E-mail: m_joudi@msrt.ir (نویسنده مسئول)

مقدمه

بنا بر تعریفی، «زیبایی» نوعی هماهنگی است که لذات انسانی را در خط سیر معینی شکل می‌دهد و سبب اندیشه زیبایی می‌شود (ر.ک؛ گاستالا، ۱۳۳۶: ۹۸). همچنین، زیبایی‌شناسی، شاخه‌ای از دانش فلسفی است که به طبیعت زیبایی و داوری درباره آن، توصیف پدیده‌های هنری و تجارب زیبایی‌شناختی و تبیین آنها می‌پردازد (ر.ک؛ عبدالحمید، ۱۴۲۱ق: ۱۸).

قرآن کریم با نگاهی فراگیر به مسئله زیبایی، مجموعه‌ای متنوع از مفاهیم زیبایی‌شناختی طبیعی، انسانی و متافیزیکی را مطرح می‌سازد که نشانه‌ها، ویژگی‌ها و دستاوردهای معینی دارد. در طول تاریخ، شناخت زیبایی‌های قرآنی با روش‌ها و شیوه‌های گوناگون واژگانی، ادبی، بلاغی و مفهومی صورت گرفته است و می‌گیرد. شیوه‌ای که در این پژوهش در کشف زیبایی‌شناسی قرآنی به کار گرفته شده، مبتنی بر پیوستگی درونی مجموعه‌ای از مفاهیم قرآن است. این ساختار، بیانگر نظم و پیوند میان موضوعات در شکلی هماهنگ از مفاهیم است. بر این اساس، مفاهیم قرآن کریم در یک نظام معنی‌شناختی قرار دارند که به کارگیری واژه در آن معنی‌دار خواهد بود. از این رو، برای کشف معنا، علاوه بر روشن ساختن مفهوم واژه در فرهنگ لغت و قرآن، باید آن را در حوزه‌ای از واژه‌های دیگر بررسی کرد و نظام هندسی آن را به دست آورد. با این روش، می‌توان میدان‌هایی از مفاهیم را نشان داد که ارتباط هر یک با موضوعات دیگر را روشن می‌کند و ژرفای کلام را نمایان می‌سازد. این مطالعه بر این اصل مبتنی است که مفاهیم به کار رفته در قرآن، با جهان‌بینی آن پیوند دارد و از پشتوانه‌ای عقیدتی و فرهنگی برخوردار است و بدون پژوهش گسترده و معنی‌شناسانه در تمام قرآن، معرفت کاملی حاصل نمی‌شود، همچنان که ایزوتسو معتقد است که «طرح معارف قرآن در یک حرکت معنی‌شناختی نظام‌مند قابل شناسایی است؛ زیرا کاوش در واژگان، حاصل تلاش در شبکه‌ای پیچیده و وسیع از ارتباطات چندجانبه میان کلمات است» (ایزوتسو، ۱۳۶۲: ۳۴). بنابراین، زیباشناسی قرآن مجید، مبتنی بر شناخت و کشف سطوح گوناگون کلام و دریافت پیام آن است و این در صورتی انجام می‌گیرد که زبان و نظام معنایی پیوسته آن، شناسایی شده، عمق معانی و جنبه‌های ناشناخته آن شناسایی گردد.

در این پژوهش، ساختار مفاهیم زیبایی‌شناختی قرآنی با بررسی مفهوم زیبایی در قرآن کریم، گستره و انواع آن، مفاهیم و واژگان اصلی و مرتبط با زیبایی در شبکه مفهومی گسترده‌ای مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است.

۱- پیشینه زیبایی‌نگاری‌های قرآنی

از نخستین سده‌های تاریخ اسلام، زبان قرآن کریم، کم و بیش محل توجه بوده است. برجستگی‌ها، جلوه‌های هنری و ابعاد گونه‌گون زیبایی‌های آن، در سخنان رسول خدا (ص)، ائمه اطهار (ع)، صحابه، تابعین و عالمان در دو قرن نخست هجری مطرح شده است (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹: ۱۷؛ حرّ عاملی، ۱۳۹۱، ج ۴: ۸۵۶؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۶، ج ۱۰: ۲۱ و سیوطی، بی‌تا، ج ۱: ۲۴۳). احتمالاً کتاب‌های مجاز القرآن (ابوعبیده/ ۱۹۵۵م)، معانی القرآن (فراء الدیلمی/ ۱۹۷۲م) و تأویل مشکل القرآن (ابن قتیبه/ ۱۹۷۳م) از نخستین آثاری باشند که درباره اسلوب قرآن و سبک ادبی آن نگاشته شده است.

ابن قتیبه به‌ویژه بر نظم و واژگانی قرآن، سلاست و روانی، رسانایی و تأثیر شگفت آن در دل‌ها تأکید کرده است. البته از قرن دوم، ویژگی‌های ساختار زبانی قرآن، با تعبیرهای گوناگون، از جمله «عنوان نظم»، از سوی ادیبان و عالمان اسلامی توصیف شده است. همچنین، نظام با طرح نظریه «صرفه» بر نظم ویژه مفاهیم و واژگان قرآن تأکید داشته است و جاحظ با ردّ نظریه صرفه به نظم درونی آیات اشاره کرده است (ر.ک؛ زرکشی، ۱۹۹۷م، ج ۲: ۹۳).

در سده چهارم، تألیف‌های مستقل درباره ویژگی‌ها و اعجاز بیانی قرآن اوج گرفته است. ابوالحسن الرّمانی که آمیزه‌ای از مباحث نحوی و منطقی را مطرح ساخته، در التّکت فی اعجاز القرآن العظیم از ده گونه بلاغت در قرآن، بحث و نمونه‌هایی نیز ارائه کرده است.

الخطابی بستی از معاصران رمانی در کتاب خویش، بیان اعجاز القرآن، نظم و سازواری لفظی-معنایی قرآن را مورد تأکید قرار داده است (ر.ک؛ الخطابی، بی‌تا، ج ۱۶: ۶۹-۱۰۴). وی خصوصاً بر واژه‌گزینی دقیق و سنجیده قرآن بسیار تأکید می‌کند، به گونه‌ای که اگر الفاظ آن به چیزی تبدیل شوند، یا معنای آن دگرگون می‌شود، یا دست‌کم، رونق و بلاغت ژرف و عمیق آن از بین می‌رود

(ر.ک؛ همان: ۲۶). عبدالقاهر جرجانی از پایه‌گذاران بلاغت عربی و از شارحان اسلوب و روش قرآنی است. وی با طرح نظریه «نظم»، کاوش‌های زبانشناختی پیش از خویش را که از عصر جاحظ و پیشتر آغاز شده بود، به کمال رسانید و بررسی‌های زبانشناختی را مبنایی برای توضیح اعجاز بیانی قرار داد.

به هر حال، تا امروز مطالعات جدیدتر درباره‌ی واژگان و مفاهیم قرآنی همچنان ادامه دارد و محققان و اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان معاصر، بررسی‌های ارزشمندی درباره‌ی آن ارائه کرده‌اند که می‌توان به افرادی همچون سیدقطب (۱۹۵۶م)، بنت‌الشاطی (۱۳۹۱ق)، عبدالرزاق نوفل (۱۳۶۲)، رشاد خلیفه (۱۳۶۵)، توشیهکو ایزوتسو (۱۳۶۲) و از معاصران، مهدی بازرگان، نوید کرمانی و مهدی مطیع اشاره کرد.

۲- مفهوم زیبایی در قرآن کریم

در قرآن کریم، خداوند متعال منشأ و سرچشمه زیبایی است: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾: ای پیامبر! بگو زیورهایی را که خداوند برای بندگانش پدید آورده است و [نیز] روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده! بگو: این [نعمت‌ها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان می‌باشد. اینگونه آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند، به‌روشنی بیان می‌کنیم ﴿(الأعراف/۳۲). این آیه بیانگر آن است که زینت‌های آفرینش، آفریدگان خداوند متعال هستند. در همین امتداد، همان‌گونه که او «رازق» است و «رزق طیب» را به بندگان خویش عطا می‌فرماید، «زیباست» و زیبایی‌های آفرینش را برای بندگان خویش آفریده است. از این رو، همه زیبایی‌های محسوس و غیر آن، مادی و متافیزیکی، معنوی و اخلاقی، در قرآن کریم به خداوند نسبت داده شده است (ر.ک؛ الحشر/۲۴) و او را پدید آورنده همه آنها دانسته است (ر.ک؛ الأعراف/۳). آسمان را زینت بخشیده است (ر.ک؛ الصافات/۶)، چهره زمین را به زیورها آراسته است (ر.ک؛ الکهف/۷) و کار هر گروه را در نزد خودشان جلوه داده است (ر.ک؛ الأنعام/۱۰۸) و هر آنچه او آفریده است و منسوب به اوست، زیباست (ر.ک؛ السجده/۷).

پس آفرینش توأم با زیبایی است و هیچ آفریده‌ای نیست، مگر آنکه زیباست و هیچ زیبایی نیست، مگر آنکه آفریده اوست. از سوی دیگر، هر چه نام نیک است، از آن اوست و او در نام و نشان نیز زیباست (ر.ک؛ طه/۸). پس او هم در نام زیباست و هم در کار (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷م، ج ۱: ۲۲). لذا حسن زیبایی‌شناسی که یکی از ابعاد وجودی انسان است، از موهبت‌های الهی است.

از دیدگاه قرآن، مفهوم زیبایی، مفهومی بدیهی و بی‌نیاز از تعریف است و شناخت آن مفروض گرفته شده است. انسان‌هایی که در حد متعارفی از تعقل باشند، زیبایی در میان آنان امری بین‌الذہانی است. لذا قرآن به جای ارائه تعریفی از زیبایی، آن را در سطوح مختلف، همچون عالم الوهیت، اشیاء، اعمال، صفات و باورها مطرح ساخته است.

نکته مهم آن است که بر اساس قاعده «تُعْرَفُ الْأَشْيَاءُ بِأَصْدَادِهَا»، قرآن مجید با معرفی زشتی‌ها در مراتب مختلف هستی، سعی در مشخص کردن حدود زیبایی دارد: ﴿لِيُمَيِّزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ تا خدا ناپاک را از پاک جدا کند و ناپاک‌ها را روی یکدیگر نهد و همه را متراکم کند و آنگاه در جهنم قرار دهد. اینان همان زیانکارانند ﴿(الأنفال/۳۷)﴾. وجود تضادها در عالم کثرت، بهانه معرفت‌زایی است. پس گرایش قرآن، بیشتر تمییز زیبایی از زشتی است تا تعریف زیبایی.

از دیدگاه قرآن مجید، زیبایی مفهومی تشکیکی است که از بالاترین مراحل هستی، یعنی اسماء الهی تا پایین‌ترین سطوح آن، یعنی عالم خاک کشیده شده است. زیبایی عالم الوهیت (ر.ک؛ طه/۸)، زیبایی خلقت باطنی انسان در عالم علوی (ر.ک؛ التین/۴)، زیبایی خلقت ظاهری آدمی (ر.ک؛ السجده/۷ و غافر/۶۴) و زیبایی طبیعت (ر.ک؛ الکهف/۷).

درک مراتب زیبایی، با ترک مراتب پایین آن امکان دارد. بدین شرح که از دیدگاه قرآن، اولاً باید نگاه به مراتب پایین، نگاهی پُر از شعور، تذکر و معرفت باشد، نه همراه با غفلت و بی‌خبری و هواپرستی (ر.ک؛ الفرقان/۷۳). ثانیاً عبور از دیدن این زیبایی و نماندن در مرتبه آن، شرط دریافت مراتب بالاتر است، هرچند این زیبایی نیز چیزی جز مراتب نازل همان زیبایی برتر نیست.

از دیدگاه قرآن، تحقق در مراتب پایین زیبایی، اکتسابی است، در حالی که مراتب بالای آن، اعطایی است و آدمی همواره باید در تلاش برای کسب زیبایی باشد. در آموزه‌های قرآنی، عبور کردن از مراتب پایین و تلاش برای کسب مراتب بالاتر و امید داشتن به اعطای برترین مراتب زیبایی از جانب حق مطرح شده است: ﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ: و زنهار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [که فقط] زیور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم، دیدگان خود مدوز و [بدان که] رزق و روزی پروردگار تو بهتر و پایدارتر است﴾ (طه/۱۳۱ و ر.ک؛ هود/۷، الإسراء/۷ و العنکبوت/ ۵-۶) که به ترتیب سه فضای حاکم بر تحقق زیبایی را بیان می‌کند.

بالاترین مرتبه زیبایی، ابدی‌ترین مرتبه آن است: ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ﴾ هر چه بر [زمین] است، فانی شونده است؛ ﴿وَبِئَقْبَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ: و ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی خواهد ماند﴾ (الرحمن/۲۶-۲۷). مرتبه بعدی از زیبایی نیز بهره‌مندی از ابدیت است؛ یعنی زیبایی بهشت جاودان: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا: و کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، به زودی آنان را در بوستان‌هایی درآوریم که از زیر [درختان] آن نهرها روان است، همیشه در آن جاودانند. وعده خدا راست است و چه کسی در سخن از خدا راستگوتر است﴾ (النساء/۱۲۲)، ﴿خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ: تا آسمان‌ها و زمین برجاست، در آن ماندگار خواهند بود، مگر آنچه پروردگارت بخواهد؛ زیرا پروردگار تو همان کند که خواهد﴾ (هود/۱۰۷) و زیبایی دنیوی که ناپایدار است: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ: هر جاننداری چشنده [طعم] مرگ است و همانا روز رستاخیز پاداش‌های شما به طور کامل به شما داده می‌شود. پس هر که را از آتش به دور دارند و در بهشت درآورند، قطعاً کامیاب شده است و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست﴾ (آل عمران/۱۸۵).

۳- گستره زیبایی در قرآن کریم

بنا بر تقسیمی، می‌توان زیبایی‌ها را بر چهار نوع کلی دانست که عبارتند از:

الف) زیبایی محسوس؛ یعنی زیبایی‌هایی که با حواس پنجگانه انسان درک می‌شوند و شامل همه پدیده‌های مادی و محسوس هستی، مانند آسمان، دشت‌ها و دریاهاست.

ب) زیبایی غیرمحسوس؛ یعنی زیبایی‌هایی که با قوه واهمه انسان درک می‌شوند؛ مانند زیبایی آزادی، دوستی، عشق.

ج) زیبایی معقول که قوه عاقله انسان، مدرک این گونه زیبایی‌هاست. اندیشه‌ها، باورها، رفتارهای انسانی و ایمانی، حکمت، شجاعت و عدالت، نمونه‌ای از زیبایی‌های معقول هستند (ر.ک؛ جعفری، ۱۳۸۵: ۱۶۲).

د) زیبایی مطلق که این نوع از زیبایی، از آن حقیقت متعالی هستی است.

در قرآن کریم نیز زیبایی انواع گوناگونی دارد که به تفصیل بیان می‌شود.

۳-۱) زیبایی‌های مادی (محسوسات)

زیبایی‌های محسوسی را که قرآن به آنها اشاره کرده، می‌توان در شش عنوان زیبایی‌های انسان، زیبایی‌های آسمان، زیبایی جانداران، زیبایی‌های طبیعت، زیبایی رنگ‌ها و زیبایی‌های مصنوعات بشری قرار داد. در اینجا به اختصار به هر یک اشاره‌ای می‌شود.

۳-۱-۱) زیبایی‌های انسان

در فرهنگ زیباشناسی قرآن، علاوه بر زیبایی روحی انسان به عنوان خلیفه الهی بودن او، بر زیبایی جسمی و اندامی انسان‌ها هم توجه شده است. زیبایی زن‌های دنیوی و زن‌های بهشتی (حوران) از این جمله است (ر.ک؛ الأحزاب/۵۱، الرحمن/۷۰، الواقعة/۲۳، التین/۴، غافر/۶۴، التغابن/۳ و المؤمنون/۱۴).

از مراحل زیبایی، توازن و اعتدالی است که در شکل ویژه خود در انسان نهاده شده است: ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ: ای انسان! چه چیز تو را درباره پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته؟!﴾ (الإنفطار/۶) و ﴿فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ: و به هر صورتی که خواست تو را ترکیب کرد﴾ (الإنفطار/۸). انسان در زیباترین اندام و بهترین ساختار آفریده شده است: ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ: [که] به‌راستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم﴾ (التین/۴).

هندسه زیبا و دقیقی بر اندام‌های انسان حاکم است و صرف نظر از تناسب آفرینش، هر یک از اعضای بدن با کارایی ویژه خود و چگونگی قرار گرفتن، اندازه و ترکیب رنگ‌ها، توازن و تناسب شگفتی میان آنها به وجود می‌آورد که نشانی از عظمت و زیبایی خالق است. به عنوان مثال، اگر چشم را در نظر بگیریم (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۱۷ق، ج ۷: ۳۷۳)، افزون بر شگفتی‌های موجود در آن، زیبایی آن در تعبیری که از احساسات انسان دارد نیز پدیدار می‌شود (ر.ک؛ الحجّاج، ۱۹۹۲م: ۲۷). مرحله دیگری از زیبایی انسان، در چهره و صورت اوست. خداوند متعال زیباترین صورت را برای انسان اختیار کرد: ﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ: آسمان‌ها و زمین را به‌حق آفرید و شما را صورتگری کرد و صورت‌هایتان را نیکو آراست و فرجام به سوی اوست﴾ (التّغابن/۳ و ر.ک؛ غافر/۶۴).

صورت‌ها، اشکال و رنگ‌های انسان‌ها بسیار متنوع است و معمولاً هر نوعی از نژادها، صورت، شکل، رنگ و اندام فرد هم‌نوع خود را می‌پسندد و آن را زیبا و نیکو تلقی می‌کند (ر.ک؛ جعفری، ۱۳۸۵: ۳۰۶). زیبایی انسان، علاوه بر بُعد جسمانی و ظاهری، بُعد روحانی و باطنی او را نیز فرامی‌گیرد و ساختار درونی انسان به گونه‌ای طراحی شده است که با آن می‌تواند به بالاترین مرتبه‌های کمال و سعادت دست یابد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۳۶۵).

۲-۱-۳) زیبایی آسمان با ستارگان

یکی دیگر از مصداق‌های زیبایی در قرآن، آسمان‌ها هستند که با مناظر زیبا و پُر جاذبه نیلگون و پُر از ستاره خود، چشم هر زیباطلبی را مجذوب خود می‌کند: ﴿أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ

كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ: مگر به آسمان بالای سرشان ننگریسته‌اند که چگونه آن را ساخته و زینت داده‌ایم و برای آن هیچ گونه شکافتگی نیست ﴿(ق/۶-۷ و ر.ک؛ الصافات/۶، الفصّل/۱۲، الملک/۵ و الحجر/۱۶)﴾.

قرآن کریم به نظاره در آفرینش زیبا، باشکوه و استوار آسمان فرامی‌خواند (ر.ک؛ ق/۶). نبودِ نقص و گسست نیز نشانه کمال این آفرینش و زیبایی به شمار آمده است (ر.ک؛ الملک/۳). نور و درخشش آنها که خود یکی از زیباترین صفات است، شکل‌های گوناگون و متناسب ستارگان، چگونگی طلوع و غروب آنها و ترکیب پس‌زمینه تاریک با گوهرهای درخشنده‌ای که در سطح آن پراکنده‌اند، توجّه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۱۷ق، ج ۹: ۳۱۷-۳۱۸).

در جایی دیگر، قرآن از ستارگان به کاخ تعبیر می‌کند ﴿وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ﴾: و به یقین ما در آسمان برج‌هایی قرار دادیم و آن را برای تماشاگران آراستیم ﴿(الحجر/۱۶)﴾. در واقع، منزل‌گاه‌های خورشید و ماه در آسمان در احساس بیننده به کاخ‌هایی که شاهان آذین می‌کنند، تشبیه شده است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ۱۳۶).

۳-۱-۳) زیبایی جانداران

حیوانات از مظاهر زیبایی در خلقت هستند که به زیبایی آنها در قرآن اشاره شده است ﴿وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ﴾: و در آنها برای شما زیبایی است، آنگاه که [آنها را] از چراگاه برمی‌گردانید و هنگامی که [آنها را] به چراگاه می‌برید ﴿(النحل/۶)﴾. نکته‌ای که از این آیه استفاده می‌شود، آن است که جمال جامعه در حرکت و تلاش دسته‌جمعی است (ر.ک؛ جعفری، ۱۳۸۵: ۱۲۵).

۳-۱-۴) زیبایی‌های طبیعت

زیبایی‌های طبیعت، مصداق‌های زیبایی در منطق زیبانگر قرآن است که به مناظر زیبا و دلنواز آن اشاره کرده است: ﴿أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ

حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ: آیا آنچه شریک می‌پندارند، بهتر است [یا آن که آسمان‌ها و زمین را خلق کرد و برای شما آبی از آسمان فرود آورد. پس به وسیله آن باغ‌های بهجت‌انگیز رویانیدیم. کار شما نبود که درختانش را برویانید! آیا معبودی با خداست؟! نه،] بلکه آنان قومی منحرف هستند ﴿(النمل/۶۰)﴾ و ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ: آیا ندیده‌ای که خدا از آسمان آبی فرو فرستاد و زمین سرسبز گردید؟! آری، خداست که دقیق و آگاه است﴾ ﴿(الحج/۶۳)﴾. زیبایی گلها، درختان، چمنزارها و دیگر رویدنی‌ها از برترین انواع زیبایی‌هاست که خداوند متعال برای بشر به وجود آورده است که غم و اندوه را از انسان می‌زداید و بهجت و سروری در دل‌ها ایجاد می‌کند (ر.ک؛ الحج/۵ و ق/۷).

قرآن کریم از تمام گونه‌های طبیعت، از جاندار و بی‌جان و نیز واقعی و مصنوعی سخن گفته است، ولی از میان زیبایی پدیده‌های طبیعی، به زیبایی رویدنی‌ها توجه بیشتری نشان داده است. زیبایی‌های نباتی بر زیبایی‌های جمادی امتیاز دارد و پیوسته در حال پوییش است. شادابی، خرمی و زیبایی رنگی که در گیاهان و درختان وجود دارد، در دیگر پدیده‌های هستی کمتر می‌توان یافت. از این رو، از واژه «بهجت» تنها در باب آنها استفاده شده است (النمل/۶۰).

۳-۵-۱) زیبایی رنگ‌ها

زیبایی‌آفرینی رنگ‌ها، از دیگر نمودهای زیبایی در قرآن است. زیبایی رنگ‌ها چه به صورت فرد و چه به صورت ترکیب مورد توجه قرآن است: ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَعَرَايِبُ سُودٌ: آیا ندیده‌ای که خدا از آسمان آبی فرود آورد و با آن میوه‌هایی که رنگ‌های آنها گوناگون است، بیرون آوردیم و از برخی کوه‌ها، راه‌ها [و رگه‌ها]ی سپید و گلگون به رنگ‌های مختلف و سیاه پُررنگ [آفریدیم]﴾ ﴿(الفاطر/۲۷)﴾ و ﴿قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يَبِينُ لَنَا مَا لُونُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءٌ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّظِيرِينَ: گفتند: از پروردگارت بخواه تا بر ما روشن کند که رنگش چگونه است.

گفت: وی می‌فرماید: آن ماده‌گاو است زرد یکدست و خالص که رنگش بینندگان را شاد می‌کند ﴿البقره/۶۹﴾.

قرآن کریم به تنوع رنگ در پدیده‌های زمینی، مثل عسل، گیاهان، میوه‌ها، انسان‌ها، جنبندگان و چهارپایان اشاره دارد (ر.ک؛ النحل/۱۳ و ۶۹). سوره فاطر گستره‌ای وسیع از تنوع رنگ‌ها را در برابر دیدگاه انسان ترسیم می‌کند و در سوره زمر، تنوع و دگرگونی رنگ گیاهان را بازگو می‌کند (ر.ک؛ الفاطر/۲۷-۲۸ و الزمر/۲۱).

۳-۱-۶) زیبایی مصنوعات بشری

از منظر زیباشناسی قرآن، زیبایی‌های هستی، چه طبیعی باشند و چه مصنوعات دست بشر به خداوند نسبت داده شده‌اند، چون آثار زیبای بشری از روح زیباطلبی است که در انسان نهاده شده است که منشاء آن الهی است: ﴿وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَازِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ و اوست کسی که دریا را مسخر گردانید تا از آن گوشت تازه بخورید و پیرایه‌ای که آن را می‌پوشید، از آن بیرون آورید و کشتی‌ها را در آن شکافنده [آب] می‌بینی و تا از فضل او بجویید و باشد که شکرگزار باشید ﴿النحل/۱۴﴾ و ﴿يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ﴾ [آن متخصصان] برای او هر چه می‌خواست از نمازخانه‌ها و مجسمه‌ها و ظروف بزرگ مانند حوضچه‌ها و دیگ‌های چسبیده به زمین می‌ساختند. ای خاندان داوود! شکرگزار باشید و از بندگان من اندکی سپاسگزارند ﴿سبأ/۱۳﴾، ﴿وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلْنَا خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأْنَاكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سَهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آيَةَ اللَّهِ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾ و به یاد آورید هنگامی را که شما را پس از [قوم] عاد، جانشینان [آنان] گردانید و در زمین به شما جای [مناسب] داد، در دشت‌های آن [برای خود] کاخ‌هایی اختیار می‌کردید و از کوه‌ها خانه‌هایی [زمستانی] می‌تراشیدید. پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید و در زمین سر به فساد برمدارید ﴿الأعراف/۷۴﴾. در این آیات، به آثار هنری بشری، از قبیل قصرها، زیورآلات، نقاشی‌ها و تصویرها اشاره شده است.

ب) زیبایی‌های معنوی و متافیزیکی

گستره زیبایی در قرآن کریم از پدیده‌های طبیعی و زیبایی‌های محسوس فراتر بوده است و زیبایی‌های معنوی و اخلاقی را نیز شامل است. «ایمان»، دوست‌داشتنی و زیبا و در مقابل، «کفر»، پلیدی و نافرمانی» از مظاهر زشتی شمرده شده است: ﴿وَأَعْلَمُوا أَن فَيْكُمُ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ: و بدانید رسول خدا در میان شماست. هرگاه در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند، به مشقت خواهید افتاد، ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده است و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده است و (برعکس)، کفر، فسق و گناه را منفور شما قرار داده است. کسانی که این صفات را دارند، هدایت‌یافتگانند!﴾ (الحجرات/۷). گفته‌ها و کرده‌های انسان نیز دو گونه زیبا و نازیبیا دارد و خداوند متعال به زیبایی در گفتار و کردار دعوت می‌کند: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ: چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر، مادر، خویشان، یتیمان، مستمندان احسان کنید و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید و نماز را به پا دارید و زکات را بدهید. آنگاه جز اندکی از شما، [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید﴾ (البقره/۸۳)، ﴿وَقُلْ لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا: و به بندگانم بگو: آنچه را که بهتر است بگویند که شیطان میانشان را به هم می‌زند؛ زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است﴾ (الاسراء/۵۳). سخن زیبا، سخنی است که از ادبی زیبا برخوردار باشد و از خشونت، بدزبانی و بدفرجامی به دور باشد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۱۱۵). به همین گونه، قرآن در برابر پدر و مادر به رفتار خوب و زیبا امر می‌کند: ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأَتَّبُكُم بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ: و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادر خود نیکی کند و [الی] اگر آنها با تو درکوشند تا چیزی را که بدان علم نداری، با من شریک

گردانی، از ایشان اطاعت مکن! سرانجامتان به سوی من است و شما را از [حقیقت] آنچه انجام می‌دادید، باخبر خواهم کرد ﴿العنکبوت/۸﴾. زیبایی‌های معنوی و معقول، به دلیل سنخیت و نزدیکی با روح انسان، از عالی‌ترین درجات پُر جاذبه زیبایی هستند که در قرآن به آنها توجه خاصی شده است و در ذیل به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود.

قرآن به صبر زیبا توصیه می‌کند: ﴿فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾ پس صبر کن؛ صبری نیکو! ﴿المعارج/۵﴾. بر این اساس، آیه بر دو گونه صبر دلالت دارد: صبری زیبا و صبری نازیبا. ویژگی‌های صبر زیبا آن است که گِلّه و شکایتی در آن نباشد و همه چیز را از خدا بداند (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۱۷ق، ج ۶: ۴۳۰-۴۳۱).

عقل یکی دیگر از مصداق‌های زیبایی معنوی است که صاحب آن از جمال و زیبایی معقول برخوردار است و خداوند در قرآن، خردمندان و صاحبان عقل و فهم را بشارت داده، ستوده است: ﴿وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ و [الی] آنان که خود را از طاغوت به دور می‌دارند تا مبادا او را بپرستند و به سوی خدا بازگشته‌اند، آنان را مژده باد! پس بشارت ده به آن بندگان من... * به سخن گوش فرامی‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، اینانند که خدایشان راه نموده است و اینانند همان خردمندان ﴿الزمر/۱۷-۱۸﴾.

در نگاه زیباشناسی دین، یکی از مظاهر و جلوه‌های زیبایی، علم است. شاهکارهای شگفت‌انگیز و هنرآفرینی‌های دل‌انگیز انسانی، مرهون دانش و معرفت هستند. قرآن کریم بیش از هر کتاب دینی و غیردینی بر جایگاه و اهمیت معرفت تأکید کرده است. اندیشه‌ها و باورهای درست، نسبت به مبداء هستی و پدیده‌های آن و نیز انسان‌ها و روابط میان آنها، حاکی از دیدی مثبت و زیبانگراانه نسبت به جهان اطراف و انسان است. قرآن کریم از این زیبایی‌ها با عنوان «کلم طیب» نام برده است (ر.ک؛ فاطر/۱۰).

از دیگر زیبایی‌های معنوی و اخلاقی که قرآن کریم به آن امر کرده، زیبایی عفو و گذشت است. علاوه بر آنکه نفس عمل، زیباست، باید به نحو زیبایی نیز صورت پذیرد (ر.ک؛ الحجر/۸۵). دوری

گزیدن و هجرت هدایت‌گونه از منحرفان و صحنه‌ها و مکان‌هایی که با روح الهی انسان، سازگاری ندارند، جلوه‌هایی از زیبایی استقلال و اصالت روح زیباطلب انسان هستند: ﴿وَدَّرَنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهَّلَهُمْ قَلِيلًا﴾ و مرا با تکذیب‌کنندگان توانگر واگذار و ایشان را اندکی مهلت ده ﴿(المزمل/۱۱).

نهایت اینکه، چنان‌که پیشتر گفته شد، از منظر قرآن، تمام زیبایی‌هایی که در نمایشگاه طبیعت وجود دارند و زیبایی‌هایی که محصول فکر و ذوق انسانی هستند، اگر فاسد نباشند، به خداوند نسبت دارند و به یک نقطه ختم می‌شوند. تمام این جلوه‌های زیبایی، در اطراف یک مرکز و اصل می‌چرخند (ر.ک؛ ستاری، ۱۳۷۳: ۱۷۱).

در اینجا لازم است به جاذبه‌ها و تأثیرگذاری‌های معنوی قرآنی که نمونه‌های زیبایی‌های معنوی است، اشاره شود:

جاذبه‌های قرآنی از دیرباز مورد توجه بوده است و نه تنها پیروان قرآن، بلکه دیگران که ناظران بیرونی بوده‌اند نیز جاذبه‌های قرآن را دیده و بیان کرده‌اند. قرآن کریم با سرمایه‌های سرشاری از معانی و معارف گرانبه‌دار و دل‌انگیز با آهنگ پُر جاذبه و دل‌پذیر، نه تنها مؤمنان را مجذوب و شیفته خود کرده، بلکه دشمنان سخن‌شناسی مانند ولید بن مغیره، اخنس بن شریق و ابوجهل نیز از آوای دلربای آن استراق‌سمع می‌کردند (ر.ک؛ ابن‌هشام، ۱۹۵۵م، ج ۱: ۳۳۸ و طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۳۸۷). تأثیر حیرت‌انگیز آیات، در داستان عمر بن خطاب، طفیل بن عمرو، عتبه بن ربیع و غیر آن مشاهده می‌شود (ر.ک؛ ابن‌هشام، ۱۹۵۵ق، ج ۱: ۳۱۳ و ۳۶۶ و همان، ج ۲: ۲۱). تا آنجا که دشمنان تأکید می‌نمودند، به این قرآن گوش فراندهید: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ﴾ و کسانی که کافر شدند، گفتند: به این قرآن گوش مدهید و سخن لغو در آن اندازید. شاید شما پیروز شوید ﴿(الفصلت/۲۶). به پیامبر^(ص) نسبت سحر می‌دادند و می‌گفتند که از افسون جادویی سخن او بگریزید و هنگامی که از کنارش به هنگام تلاوت آیات عبور می‌کردند، جامه بر سر کشیده، خم شده، می‌گذشتند: ﴿أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشَوْنَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ آگاه

باشید که آنان دل می‌گردانند [و می‌کوشند] تا [اراز خود را] از او نهفته دارند. آگاه باشید آنگاه که آنان جامه‌هایشان را بر سر می‌کشند، [خدا] آنچه را نهفته است و آنچه را آشکار می‌دارند، می‌داند؛ زیرا او به اسرار سینه‌ها داناست ﴿هود/۵﴾.

از خاورشناسان، رژی بلاشر و پتروشفسکی هر دو از شور و شیفتگی مسلمانان نسبت به زبان قرآن سخن گفته‌اند (ر.ک؛ بلاشر، ۱۳۶۵: ۲۷ و ۴۶ و پتروشفسکی، ۱۳۵۴: ۱۱۱). گلدزیهر می‌نویسد: «هیچ اثر ادبی در جهان، در اعجاب عظیم بی‌نظیری که قرآن برانگیخت، به پای آن نمی‌رسد» (گلدزیهر، بی‌تا: ۴۱). آربری ریتم‌های قرآنی را برتر از بزرگترین شاهکارهای ادبی بشر دانسته است (ر.ک؛ طالقانی، ۱۳۴۸: ۲۴). پیکتال می‌گوید: «سمفونی غیرقابل تقلید قرآن، تنها، اصوات آن انسان را به گریه و جذب و می‌دارد» (همان). گیلورد دورمان آمریکایی، یوهان ولفانگ، گوته آلمانی و دیگران نیز از سنگینی، جاذبه و اسلوب شگفت‌انگیز زبان قرآن سخن گفته‌اند (ر.ک؛ نیک‌بین، بی‌تا: ۴۲-۵۵).

در زیباشناسی قرآن، جنبه‌های متعددی از انواع فصاحت، بلاغت و بدایع لفظی و معنوی وجود دارد که بر اساس نحوه به کارگیری حروف، واژه‌ها، رابطه منطقی میان جملات، کلمات، آیات و سوره‌ها، هماهنگی‌های لفظی با مفهوم و محتوای ارائه شده به وجود می‌آید (ر.ک؛ تهرانی، ۱۳۷۴: ۵۵).

۴- ساختار مفهومی زیبایی در قرآن کریم

الف) مفهوم پایه در زیبایی قرآنی

مفهوم کانونی زیبایی در قرآن، «حُسن» است که در لایه‌های مختلف معنایی خود با دیگر کلیدواژه‌های مفهوم زیبایی در قرآن، یعنی جمال، زینت، طیب و اسماء حسنی ارتباط برقرار می‌کند.

(۱) حُسْن

این واژه از ریشه حُسْن است که همان زیبایی در مقابل زشتی یا قبح می‌باشد (ر.ک؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۵۷). حُسْن به معنای شادی‌آور، دلپسند و خوشایند بر سه گونه است: ۱- خوشایند عقل. ۲- خوشایند نَفْس. ۳- خوشایند حس (ر.ک؛ راغب اصفهانی، بی‌تا: ۸۸).

مفهوم حُسْن در اندیشه‌های قرآنی، حوزه گسترده‌ای را شامل می‌شود و کاربردهای گوناگونی دارد و در توصیف موضوعات مادی و محسوس، موضوعات معنوی، رفتارها، گفتارها و صفات قلبی به کار می‌رود (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۲۱-۳۲۳). حُسْن و مشتقات آن در قرآن کریم نزدیک به ۲۰۰ بار به کار رفته است: ﴿خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا﴾ در آنجا جاودانه خواهند ماند! چه خوش قرارگاه و مقامی ﴿(الفرقان/۷۶)﴾؛ ﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾ و با آنچه خدایت داده، سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن و همچنان که خدا به تو نیکی کرده، نیکی کن و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی‌دارد ﴿(القصص/۷۷)﴾، ﴿لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ برای کسانی که کار نیکو کرده‌اند، نیکویی [بهشت] و زیاده [بر آن] است، چهره‌هایشان را غباری و ذلتی نمی‌پوشاند. اینان اهل بهشتند [و] در آن جاودانه خواهند بود ﴿(یونس/۲۶)﴾ و ر.ک؛ الشوری/۲۳، آل‌عمران/۳۷ و النساء/۱۲۵).

در بسیاری از کاربردهای قرآنی، معنای مقابل حُسْن، «سوء» است. در برخی آیات، به‌روشنی معنای حُسْن، همان زیبایی است: ﴿فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ﴾ در آنجا [زنانی] نکوخوی و نکورویند ﴿(الرحمن/۷۰)﴾ (ر.ک؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹: ۴۵۲) و مقصود، زیبایی ظاهری است: ﴿لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا﴾ از این پس، دیگر [گرفتن] زنان و نیز اینکه به جای آنان، زنان دیگری بر تو حلال نیست، هرچند زیبایی آنها برای تو مورد پسند افتد، به استثنای کنیزان و خدا همواره

بر هر چیزی مراقب است ﴿(الأحزاب/۵۲)﴾. قرآن کریم با به کار بردن این واژه در باب امور معنوی و اخلاقی، آنها را نیز کیفیت‌هایی زیبایی‌شناختی قلمداد کرده است، همان‌گونه که زیبایی‌های محسوس، لذت‌آور و جذاب است، زیبایی‌های معنوی و اخلاقی نیز عقل و عاطفه را تحت تأثیر قرار می‌دهند و موجب انبساط خاطر و لذت درونی می‌شوند.

۲) دلالت‌های معنایی «حُسن» در قرآن کریم

الف) حُسن به معنای زیبایی ظاهری و جسمانی با جمال

﴿لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا﴾: از این پس، دیگر [گرفتن] زنان و نیز اینکه به جای آنان زنان دیگری بر تو حلال نیست، هرچند زیبایی آنها برای تو مورد پسند افتد، به استثنای کنیزان، و خدا همواره بر هر چیزی مراقب است ﴿(الأحزاب/۵۲)﴾ و با زیبایی ظاهری از جنس آخروی: ﴿فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ﴾: در آنجا [زنانی] نکوخوی و نکورویند ﴿(الرحمن/۷۰)﴾.

ب) زیبایی جهان هستی و آراستگی خلقت با واژه زینت

زینت آسمان به ستارگان، ﴿إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ﴾: ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم ﴿(الصافات/۶)﴾، زیبایی زندگی دنیا، ﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾: در حقیقت، ما آنچه را که بر زمین است، زیوری برای آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند ﴿(الکہف/۷)﴾، زیبایی زنان؛ ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...﴾: به زنان با ایمان بگو: دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فروبندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند، مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست... ﴿(النور/۳۱)﴾، زیبایی آفریده‌های پروردگار؛ ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفَصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾: ای پیامبر! بگو زیورهایی را که خدا

برای بندگانش پدید آورده است و [نیز] روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده است! بگو: این [نعمت‌ها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان می‌باشد. این گونه آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند، به روشنی بیان می‌کنیم ﴿(الأعراف/۳۲).

ج) زیبایی معنوی و درونی با واژه «طیب»

زیبایی بیرونی، ﴿لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِئِهِمْ آيَةٌ جَنَّاتٍ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبِّ غَفُورٌ﴾ قطعاً برای [مردم] سبأ در محل سکونت آنان نشانه‌ای رحمتی [بود، دو باغستان از راست و چپ [به آنان گفتیم]. از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید. شهری است خوش و خدایی آمرزنده ﴿(سبأ/۱۵)، ﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ﴾: زمین پاک [و آماده] گیاهش به اذن پروردگارش برمی‌آید و آن [زمینی] که ناپاک [و نامناسب] است، [گیاهش] جز اندک و بی‌فایده بر نمی‌آید. اینگونه آیات [خود] را برای گروهی که شکر می‌گزارند، گونه‌گون بیان می‌کنیم ﴿(الأعراف/۵۸) و زیبایی درونی، ﴿وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ﴾: آن روز که آنهایی را که کفر ورزیده‌اند، بر آتش عرضه می‌دارند، [به آنان می‌گویند]: نعمت‌های پاکیزه خود را در زندگی دنیای خویش [خودخواهانه] صرف کردید و از آنها برخوردار شدید. پس امروز به [سزای] آنکه در زمین به‌ناحق سرکشی می‌نمودید و به سبب گناهایی که انجام می‌دادید، جزای شما خواهد بود ﴿(الأحقاف/۲۰).

د) زیبایی اسمای الهی با واژه «حسنى» که بالاترین حوزه معنایی حُسن در قرآن است

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾: نام‌های نیکو به خدا اختصاص دارد. پس او را با آنها بخوانید و کسانی را که در باب نام‌های او به کژی می‌گیرند، رها کنید! زودا که به [سزای] آنچه انجام می‌دادند، کیفر خواهند یافت ﴿

(الأعراف/۱۸۰)، ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾: خدایی که جز او معبودی نیست، [و] نامهای نیکو به او اختصاص دارد ﴿طه/۸﴾.

از سویی، «حُسْن» صفت بسیاری از حوزه‌های اخلاقی است و همراه شدن آن با افعال، خصوصیات و صفات انسانی، تعمیم حُسْن در زندگی را مطرح می‌سازد. از نظر قرآن، زیبایی باید در همهٔ حیطه‌ها و سطوح زندگی گسترش یابد: زیبایی گفتار (ر.ک؛ الإسراء/۵۳)، زیبایی رفتار (ر.ک؛ النَّحل/۹۷)، زیبایی تبلیغ (ر.ک؛ النَّحل/۱۲۵)، زیبایی برخورد (ر.ک؛ الحجر/۸۵)، زیبایی انتخاب (ر.ک؛ الزَّمر/ ۱۸ و ۵۵)، زیبایی خلقت (ر.ک؛ السَّجده/۷)، (ر.ک؛ المؤمنون/۱۴)، زیبایی رشد (ر.ک؛ آل عمران/۳۷)، زیبایی امتحان (ر.ک؛ الأنفال/۱۷)، زیبایی صبر (ر.ک؛ المعارج/۵)، زیبایی رزق (ر.ک؛ الحج/۵۸)، زیبایی اجر (ر.ک؛ الکهف/۲ و طه/۸۶)، زیبایی موعظه (ر.ک؛ النَّحل/۱۲۵) و اسوه‌ای زیبا (ر.ک؛ الأحزاب/۲۱).

ب) منظومهٔ واژگانی دال بر زیبایی

۱) جمال

ابن فارس دو معنا برای مادهٔ «جمل» یاد می‌کند: ۱- بزرگی فیزیکی که در جمله (= مجموعه)، جمل (= شتر) و جمل (= ریسمان ضخیم) به کار می‌رود. ۲- زیبایی و حُسْن در مقابل زشتی (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۴۸۱).

راغب اصفهانی جمال را زیبایی معنا کرده است و به نظر می‌رسد از هر دو مفهوم پیشین در این معنا استفاده کرده است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، بی‌تا: ۹۷). جمال هم در زیبایی افعال به کار می‌رود و هم در زیبایی پدیده‌ها (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۱۲۶).

این واژه ۸ بار در قرآن مجید به کار رفته است: «جمال»، یک بار و «جمیل» هفت بار و با آن زیبایی صبر، گذشت، دوری گزیدن و رها کردن و زیبایی چهارپایان توصیف شده است.

۲) زینت

ماده «زین» بر زیبایی و زیباسازی دلالت می‌کند. متضاد آن، «شین» به معنای زشتی و ننگ است (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۱۴). راغب اصفهانی زینت را بر سه گونه می‌داند: «زینت نفسانی، مانند: دانش و اعتقادات خوب. زینت جسمانی، مانند نیروی بدنی، بلندقامتی و تناسب اعضاء، و زینت بیرونی مانند: مال و مقام» (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۲۱۸).

علامه طباطبائی در تعریف زینت می‌گوید: «زینت، امر زیبایی است که به چیزی افزوده و آن را زیبا می‌سازد و به سبب این زیبایی، دیگران به آن تمایل پیدا می‌کنند» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵: ۲۳۷).

این واژه و مشتقات آن، ۴۶ بار در قرآن کریم به کار رفته است. خداوند متعال گاه زینت‌بخشی اشیاء را به خود نسبت داده است، گاه به شیطان و شریکان و گاه فاعلی برای آن یاد نشده است (ر.ک؛ الأنفال/۴۸ و آل عمران/۱۴). زینت در قرآن کاربردهای متعددی دارد؛ از جمله: زینت دنیا، زینت لباس، زینت مال، زیور زنان و زیور ایمان (ر.ک؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۱۵۶-۱۶۰).

۳) حلیه

ابن فارس برای «حلو» دو معنا ذکر می‌کند: الف) خوشایند نفس بودن. ب) زیباکردن و آراستن. این واژه با مشتقات خود، ۹ بار در قرآن کریم درباره زیورهای دنیوی و آخروی به کار رفته است: ﴿عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا﴾: بر اندام آنها [= بهشتیان] لباس‌هایی است از حریر نازک سبزرنگ، و از دیبای ضخیم، و با دستبندهایی از نقره آراسته‌اند، و پروردگارشان شراب طهور به آنان می‌نوشانند! ﴿(الإنسان/۲۱) و ﴿أَوْ مَنْ يَنْشَأُ فِي الْحُلِيِّهِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ﴾: آیا کسی [را شریک خدا می‌کنند] که در زر و زیور پرورش یافته است و در [هنگام] مجادله، بیانش غیرروشن است؟! ﴿(الزخرف/۱۸).

(۴) بهجت

بهجت به معنای زیبایی، خوشرنگی، خرمی و شادی است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، بی تا: ۶۳ و ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۲۱۶). این واژه در اصل به معنای شادی است و به آن زیبایی اطلاق می شود که بیننده را دلشاد سازد (ر.ک؛ عسکری، ۱۴۱۲ق: ۱۰۷). بهجت یک بار و بهیچ دو بار در قرآن کریم و فقط در توصیف رُستنی ها آمده است (ر.ک؛ النمل/ ۶۰ و ق/ ۷).

۵- زخرف

زخرف به زینتی خوش نما و زرق و برق دار گفته می شود. از این رو، به طلا نیز زخرف اطلاق شده است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، بی تا: ۲۱۲). این واژه، ۴ بار در قرآن آمده است: یک بار برای توصیف سرسبزی زمین (ر.ک؛ یونس/ ۲۴)، یک بار به معنای سخنان خوش ظاهر (ر.ک؛ الأنعام/ ۱۱۲) و دو مورد دیگر درباره خانه هایی با زر و زیور (ر.ک؛ الإسراء/ ۹۳ و الزخرف/ ۳۵).

(ج) واژه های مرتبط با زیبایی**۱- تبرج**

تبرج به معنای خودآرایی و آشکار ساختن زیبایی های زنانه به کار رفته است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، بی تا: ۴۱). قرآن با اشاره به خودآرایی زنان در جاهلیت، رفتارهایی چنین در جامعه اسلامی را نکوهش کرده است: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم، زینت های خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده اش را فرمان برید. خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند ﴿(الأحزاب/ ۳۳).

۲- حَبِک

حَبِک به معنای طریقه و راه است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۸: ۳۷۰) و در قرآن، به یکی از این سه معنا است: آسمانی که راه‌های زیبا دارد، یا آسمانی که آفرینش آن زیبا و یکسان است و یا آسمانی که زیبایی و زینت دارد: ﴿وَالسَّمَاءُ ذَاتِ الْحُبُوبِ﴾: سوگند به آسمان مشبک ﴿الذَّارِيَاتِ﴾ (ر.ک؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق.، ج ۹: ۲۵۴).

۳- تسویل

تسویل به معنای آراستن بدی‌ها و نیکو جلوه دادن آنهاست (ر.ک؛ راغب اصفهانی، بی‌تا: ۲۴۹). در قرآن، تسویل ۴ بار آمده است (ر.ک؛ یوسف/ ۱۸ و ۸۳، طه/ ۹۶ و محمد/ ۲۵).

۴- قدر و وزن

نظام آفرینش بر اساس هندسه دقیق و منظمی بنا شده که در آن هر چیز به اندازه و با نسبت مشخص و متناسبی آفریده شده است: ﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾: ما هر چیزی را به اندازه آفریده‌ایم ﴿(القمر/ ۴۹)﴾، ﴿اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنثَىٰ وَمَا تَغِيصُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ﴾: خدا می‌داند آنچه را که هر ماده‌ای [در رحم] بار می‌گیرد و [نیز] آنچه را که رحم‌ها می‌کاهند و آنچه را که می‌افزایند، و هر چیزی نزد او اندازه‌ای دارد ﴿(الرعد/ ۸)﴾، ﴿الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ * وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ﴾: همان که آفرید و هماهنگی بخشید * و آنکه اندازه‌گیری کرد و راه نمود ﴿(الأعلى / ۳-۲)﴾. ارتباط میان خلق، قدر و زیبایی در قرآن، بسی روشن و حیرت‌انگیز است. خلق دو صفت دارد: قدر (= تناسب) و حُسن (= زیبایی). حُسنِ خُلُق، نماد صفت جمالی حق و قدرِ خُلُق، نماد جلوه جلالی اوست (ر.ک؛ بلخاری، ۱۳۸۴، ج ۲: ۵۲۷). «موزون» از «وزن» به معنای سنگینی اجسام است و گاهی کنایه از زیبا و متناسب‌الاجزاء بودن است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۲: ۱۳۷).

۵- نظم

چیده شدن با نظم و ترتیب، یکی از نشانه‌های زیبایی است که در قرآن به آن اشاره شده است:

﴿مُتَّكِنِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ﴾ بر تخت‌هایی ردیف هم تکیه زده‌اند و حوران درشت‌چشم را همسر آنان گردانده‌ایم ﴿(الطُّور/۲۰)، ﴿وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ﴾ و بالش‌هایی پهلوی هم [چیده] ﴿(الغاشیه/۱۵)، ﴿لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْأَمْعَادَ﴾ ولی آنها که تقوای الهی پیشه کردند، غرفه‌هایی در بهشت دارند که بر فراز آنها غرفه‌های دیگری بنا شده است و از زیر آنها نهرها جاری است. این وعده الهی است، و خداوند در وعده خود تخلف نمی‌کند! ﴿(الزمر/۲۰ و ر.ک؛ نوح/۱۵).

۶- تنوع و تضاد

یکی از نشانه‌های زیبایی در آفرینش الهی، تنوع و گونه‌گونی حیرت‌آوری است که در آن وجود دارد. انواع مختلف از اشیاء، گیاهان، حیوانات، انسان‌ها و در میان هر نوع نیز گونه‌های بسیار و در هر گونه نیز، افراد مختلفی وجود دارند. در کنار تنوع، به تضاد نیز اشاره شده است. در کنار سیاهی، سپیدی و در کنار روز، شب قرار دارد. این تنوع و تضادها در شماری از آیات قرآن منعکس شده است: ﴿وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رِجَالًا لَّيَالِيًا يَتَخَفَتُونَ﴾ اوست کسی که زمین را گسترانید و در آن کوه‌ها و رودها نهاد و از هر گونه میوه‌ای در آن جفت‌جفت قرار داد. روز را به شب می‌پوشاند. قطعاً در این [امور] برای مردمی که تفکر می‌کنند، نشانه‌هایی وجود دارد ﴿وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مِّنْ جَبَلٍ وَجَنَاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَغَيْرُ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفُّلٌ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ و در زمین قطعاتی است کنار هم و باغ‌هایی از انگور، کشتزارها و درختان خرما؛ چه از یک ریشه و چه از غیر یک ریشه که با یک آب سیراب می‌گردند و [با این همه] برخی از آنها را در میوه [از حیث مزه، نوع و کیفیت] بر برخی دیگر برتری می‌دهیم. بی‌گمان در این [امر نیز] برای مردمی که تعقل می‌کنند،

دلایل [روشنی] است ﴿ (الرعد/۴ و ر.ک؛ الأنعام/۱۴، الغاشیه/۱۸-۲۰ و النَّازعات/۲۹) (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۷: ۳۶۷ و طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۱۸۰).

۵- قلمرو مفهومی واژگان دال بر زیبایی در قرآن

در قرآن کریم، هر لفظ برای دلالت بر مفهومی خاص به کار می‌رود و هیچ لفظ دیگری نمی‌تواند آن را ادا کند. بنابراین، قرآن از پدیده‌ی مترادف به دور است و در هر یک از واژگان آن، برخی دلالت‌های ضمنی وجود دارد که با آن، از دیگر واژگان هم‌معنای خود امتیاز می‌یابد (ر.ک؛ بنت‌الشاطی، ۱۳۷۶: ۲۲۱ و منجد، ۱۴۱۷ق: ۲۲۴). بر این اساس، تفاوت‌هایی میان واژگان زیبایی در کاربردهای قرآنی آن وجود دارد. این تفاوت‌ها گاه روشن و گاه پوشیده است. برای مثال، میان جمال و حُسن تفاوت‌هایی وجود دارد؛ از جمله:

الف) «جمال» بر کارها، خُلق و خوی، زیادی در اموال و اعضای بدن و اشیائی که مقام و موقعیت انسان را برتری می‌دهد، اطلاق می‌شود، در صورتی که در «حُسن» چنین نیست.

ب) «حُسن» در اصل برای زیبایی صورت بوده که سپس در افعال و اخلاق استفاده شده است، اما «جمال» در اصل برای زیبایی در کردار، اخلاق و احوال ظاهری بوده است و بعداً در زیبایی صورت به کار رفته است (ر.ک؛ عسکری، ۱۴۱۲ق: ۱۶۵).

سیبویه جمال را زیبایی دارای دقت و لطافت (ر.ک؛ فیومی، ۱۹۸۷م: ۴۳) و راغب اصفهانی زیبایی بسیار معنا کرده است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، بی‌تا: ۹۷). از بررسی کاربردهای این دو واژه در قرآن به دست می‌آید که دایره‌ی کاربرد «حُسن» بسیار گسترده‌تر است. «جمال» تنها در سخن از امور معنوی و غیرمادی و نامحسوس به کار رفته است، اما «حُسن» و مشتقات آن، هم بر امور حسی و هم بر امور معنوی اطلاق شده است. بنابراین، هر جمیلی در قرآن، حَسَن است، اما هر حَسَنی، تا زمانی که از امور اعتباری نباشد، جمیل بر آن صدق نخواهد کرد (ر.ک؛ مطعنی، ۱۴۱۷ق: ۱۰۴-۱۰۹).

درباره زینت، چنان که در معنای آن گفته شد، زیبایی و زیوری است که به چیزی افزوده می‌شود تا آن را زیبا سازد. بنابراین، با حُسن و جمال که به زیبایی اولیّه نظر دارد، تفاوت دارد. تفاوت زینت با حُسن و جمال در قرآن کریم، آن است که زینت هم در تزئین‌های مثبت و هم منفی به کار رفته است، اما دو واژه حُسن و جمال همواره در زیبایی‌هایی مثبت استفاده شده است. حلیه نیز مفهوم زینت را دارد و در قرآن کریم، تنها درباره انسان آمده است؛ آن هم زیوری که تن او را می‌آراید. بهجت، آن زیبایی است که باطراوت و شادی‌آفرین باشد و درباره رُستنی‌ها به کار رفته است و تسویل، آراستن نفسانی است که از نگاه قرآن، نکوهیده است.

نتیجه‌گیری

زیبایی، حقیقتی آشکار در آفرینش الهی است. جهان هستی با تمام پدیده‌های گوناگونش، جلوه‌گاه حُسن، زیبایی و جمال است. قرآن کریم زیبایی را در حوزه گسترده‌ای مطرح کرده است که پدیده‌های مادی، امور معنوی و متافیزیکی را فرامی‌گیرد. از بررسی واژگان و مفاهیم زیبایی‌شناختی قرآنی، چنین به دست می‌آید که منظومه‌ای از مفاهیم مادی، معنوی، اخلاقی و ماوراءطبیعی در نگاه زیبایی‌شناختی قرآن، با یکدیگر پیوستگی دارند و طرحی جامع و منسجم از زیبایی را ارائه می‌کنند.

در نگاه زیباشناسی قرآنی، یک مفهوم پایه وجود دارد که «حُسن» نام دارد و با مفاهیمی چون جمال، زینت و بهجت به طور مستقیم مرتبط است. قرآن کریم با رویکردی فراگیر به مسئله زیبایی‌شناسی، اهداف چندجانبه‌ای را در طرح آن مد نظر داشته است که می‌توان به این موارد اشاره کرد: هدفمندی زیبایی‌شناسی، توجه به مبدأ و منشاء زیبایی‌ها، ذومراتب بودن زیبایی، توسعه حوزه زیبایی‌شناسی و وحدت‌بخشی به حوزه‌های متنوع آن.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله. (۱۳۸۶). *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. ج ۱۰. قاهره: دار إحياء الكتب العربيّة.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق.). *معجم مقاییس اللغة*. تحقیق عبدالسلام هارون. ج ۱، ۲ و ۳. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم. (۱۹۷۳م.). *تأویل مشکل القرآن*. تحقیق و توضیح سید احمد صقر. مصر: دار التراث.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۵ق.). *لسان العرب*. ج ۲ و ۱۱. قم: ادب حوزه.
- ابن هشام، عبدالملک. (۱۹۵۵م.). *السيرة النبویة*. ج ۱ و ۲. مصر: بی‌نا.
- ابوعبیده، معمر بن المثنی. (۱۹۵۵م.). *مجاز القرآن*. به تحقیق محمد فؤاد سزگین. القاهره: مکتبه خانجی.
- ایزوتسو، توشیهیکو. (۱۳۶۲). *خدا و انسان در قرآن*. ترجمه احمد آرام. تهران: انتشار.
- بازرگان، مهدی. (بی‌تا). *سیر تحول قرآن*. تهران: انتشار.
- بلخاری، حسن. (۱۳۸۴). *مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی*. ج ۲. تهران: سوره مهر.
- بلاشر، رژی. (۱۳۶۵). *در آستانه قرآن*. ترجمه محمد رامیار. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بنت‌الشاطی، زینب. (۱۳۹۱). *الإعجاز البياني للقرآن*. مصر: بی‌نا.
- _____ . (۱۳۷۶). *اعجاز بیانی قرآن*. ترجمه حسین صابری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پتروشفسکی، ایلیاپاولوویچ. (۱۳۵۴). *اسلام در ایران*. ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام.
- تهرانی، میرزا مهدی. (۱۳۷۴). *مبانی موسیقی قرائت قرآن*. تهران: نشر زلال.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۸۵). *زیبایی و هنراز دیدگاه اسلام*. تهران: تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- حجاج، عبدالرزاق. (۱۹۹۲م.). *الجمال فی القرآن الکریم*. قاهره: مکتبه الآداب.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن. (۱۳۹۱). *وسائل الشیعه*. ج ۴. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (بی‌تا). *المفردات فی غریب القرآن*. تحقیق محمد سید کیلانی. بیروت: دارالمعرفة.

- رشاد، خلیفه. (۱۳۶۵). *اعجاز قرآن (تحلیل آماری حروف مقطعه)*. ترجمه محمدتقی آیت‌اللهی. شیراز: دانشگاه شیراز.
- الرمانی، الخطابی و الجرجانی، عبدالقاهر. (بی‌تا). *ثلاث رسائل فی إعجاز القرآن*. تحقیق محمد خلف‌الله و محمد زغلول سلام. مصر: دارالمعارف.
- زرکشی، بدرالدین. (۱۹۹۷م). *البرهان فی علوم القرآن*. تحقیق یوسف مرعشلی. ج ۲. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ستاری، جلال. (۱۳۷۳). *درد عشق زلیخا*. چ ۱. تهران: توس.
- شاذلی، سید قطب. (۱۹۵۶م). *التصویر الفنّی فی القرآن*. مصر: دارالمعارف.
- سیوطی، عبدالرحمن. (بی‌تا). *معتزک القرآن فی إعجاز القرآن*. علی محمد بجاری. قاهره: دارالفکر العربی.
- طالقانی، سید محمود. (۱۳۴۸). *پرتوی از قرآن*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷م). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ج ۱، ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۸ و ۲۰. بیروت: اعلمی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۵م). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. ج ۴، ۵ و ۹. بیروت: اعلمی.
- عبدالحمید، شاکر. (۱۴۲۱م). *التفضیل الجمالی*. کویت: عالم المعرفة.
- عسکری، ابوهلال و نورالدین جزایری. (۱۴۱۲ق). *معجم الفروق اللغویة*. قم: نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- فخر رازی. (۱۴۱۷ق). *التفسیر الکبیر*. ج ۶، ۷ و ۹. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراء، یحیی بن زیاد. (۱۹۷۲م). *معانی القرآن*. تحقیق عبدالفتاح اسماعیل شلبي و علی نجدی ناصف. مصر.
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب. (۱۴۱۶ق). *بصائر ذوی التّمییز فی لطائف الکتاب العزیز*. تحقیق محمدعلی نجّار. ج ۳. قاهره: المجلس الأعلى للشؤون الإسلامیة.
- فیومی، احمدبن محمد. (۱۹۸۷م). *المصباح المنیر*. بیروت: مکتبة لبنان.
- گاستالا، پی‌یر. (۱۳۳۶). *زیباشناسی تحلیلی*. ترجمه علینقی وزیر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گلدزیه، ایگناس. (بی‌تا). *العقیده و الشّریعة فی الإسلام*. محمد یوسف موسی، علی حسن عبدالقادر و عبدالعزیز عبدالحق. مصر- بغداد: دارالکتب الحدیثه و مکتبة المثنی.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار؛ الجامعة لِدُرر أخبار الأئمة الأطهار*. ج ۸۹. بیروت: مؤسسه الوفاء.

مصطفوی، حسن. (۱۳۷۴). *التحقیق فی الكلمات القرآن الکریم*. ج ۲. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مطعنی، عبدالعظیم. (۱۴۱۷ق.). *دراسات جدیدة فی إعجاز القرآن*. قاهره: مكتبة وهبة.

معرفت، محمدهادی. (۱۴۱۲ق.). *التمهید فی علوم القرآن*. قم: نشر اسلامی.

منجد، نورالدین. (۱۴۱۷ق.). *الترادف فی القرآن الکریم بین النظرية والتطبيق*. دمشق: دارالفکر.

نوفل، عبدالرزاق. (۱۳۶۲). *اعجاز عددی در قرآن کریم*. ترجمه مصطفی حسینی طباطبائی. تهران: ناشر.

نیک‌بین، نصرالله. (بی تا). *اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب*. دورود: شرکت سهامی سپمان فارس و خوزستان، دفتر مذهبی دورود.